

بررسی اثر تعدیلی سودآوری بر رابطه بین نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

آسیه غلامعلی^۱

مسعود فولادی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

چکیده

اجتناب مالیاتی فعالیتی است که مدیریت با استفاده از اختیارات خود اقدام به کاهش و دستکاری سود به منظور کاهش مالیات پرداختنی می نماید و الزاما اتخاذ این نوع سیاست در جهت منافع همه گروه های ذینفع نیست. بحث اجتناب مالیاتی بیشتر به نظر می رسد در مورد شرکت های با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر اجتناب مالیاتی می شوند. از این رو هدف این پژوهش بررسی اثر تعدیلی سودآوری بر رابطه بین نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی است. در راستای هدف پژوهش، با استفاده از روش حذف سامانمند، نمونه ای متشکل از ۱۰۳ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۹ انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از مدل های رگرسیون چند متغیره به روش داده های ترکیبی استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد از بین عناصر نظام راهبری شرکتی فقط نسبت مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد و نسبت اعضاء غیرموظف هیئت مدیره و دوگانگی وظایف مدیرعامل با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری ندارند. همچنین نتایج نشان داد افزایش سودآوری شرکت ها باعث تقویت رابطه دوگانگی وظایف مدیرعامل و اجتناب مالیاتی شده ولی بر رابطه نسبت اعضاء غیرموظف هیات مدیره و اجتناب مالیاتی و رابطه نسبت مالکیت سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی تاثیری ندارد.

واژگان کلیدی

اجتناب مالیاتی، سودآوری، نظام راهبری شرکتی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران.

asiehgholamali64@gmail.com

^۲ استادیار، گروه حسابداری، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران.

Foladim57@shaiau.ac.ir

۱. مقدمه

با توجه به شرایط اقتصادی ایران، یکی از باثبات ترین منابع جهت تأمین مالی دولت پرداخت مالیات است. ضرورت پرداختن به بحث مالیات زمانی بیشتر می شود که بدانیم در برنامه پنجم و لایحه پیشنهادی برنامه ششم، مواردی وجود دارد که بر کاهش نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد و افزایش سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه کل کشور تأکید فراوانی دارد. مالیات بر درآمد شرکت ها از موارد مهم مالیات های مستقیم می باشد. این نوع مالیات، بر سود شرکت ها وضع می شود و سهم قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت ها را تشکیل می دهد و دولت ها تلاش می کنند میزان مالیات های خود را از این محل به حداکثر برسانند تا بتوانند خدمات اجتماعی را به خوبی ارائه کنند. از طرف دیگر شرکت ها تلاش می کنند با اتخاذ اجتناب مالیاتی، میزان مالیات های خود را تا جایی که امکان دارد کمتر کنند و تنها منافع سهامداران را به حداکثر برسانند. از سوی دیگر با رشد و توسعه صنایع و واحدهای تجاری مختلف و پیچیده شدن ارتباط شرکت های موجود در جامعه با یکدیگر و همچنین با دولت و افراد حاضر در جامعه شرایطی به وجود آمده که شرکت ها می بایست به همه ذینفعان خود از جمله دولت و آحاد مردم پاسخگو باشند (خدماتی پور و ترکی زاده ماهانی، ۱۳۹۰).

شرکت ها باید به صورت اخلاقی عمل کنند و منافع تمام ذینفعان را در نظر بگیرند؛ بنابراین سازمان ها باید به کارهایی دست بزنند که مورد قبول جامعه و منطبق با ارزش های آن باشد. سازمان ها برای آنکه بتوانند جایگاه خود را در جامعه حفظ نموده یا بهبود بخشند، لازم است به سودآوری توجه لازم را داشته باشند. اگر سازمان خواهان حیاتی بلندمدت باشد، باید اهداف سودآوری و ثروت زایی خود را از طریق شیوه هایی دنبال کند که برای جامعه مورد قبول باشد (وحیدی الیزی و فخاری، ۱۳۹۳)؛ بنابراین چالش شرکت ها این است که باید به افزایش ارزش واحد اقتصادی و پاسخگویی به انتظارات اجتماعی و مدیریت هم زمان دست یابند. بدین ترتیب با تغییر در نگرش و رفتار سرمایه گذاران و توجه آنها به تعهدات اجتماعی، شرکت ها به منظور جلب اعتماد عمومی و شفاف سازی فعالیت های خود، نظام راهبری شرکتی را به عنوان راهبردی نافذ قلمداد کرده که به طور بالقوه مزیت رقابتی ایجاد خواهد کرد (وهاب و الساید^۱، ۲۰۱۵). نتایج حاصل از این پژوهش می تواند به وسیله سهام داران و سرمایه گذاران برای اتخاذ تصمیم های بهینه در بازار سرمایه، مدیران جهت انجام برنامه ریزی و تصمیم گیری های مالی بهتر و تحلیل گران مالی شرکت های سرمایه گذاری و سایر استفاده کنندگان از صورت های مالی مورد استفاده قرار گیرد و همچنین باعث توسعه ادبیات نظری در خصوص عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکت نیز می گردد.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

در هر کشوری مالیات به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دولت در اقتصاد، نقش بسیار مهمی را ایفا می کند به گونه ای که امروزه در کشورهای صنعتی، بهبود و توسعه کارایی و اثربخشی اظهار مالیات مودیان و مطالبه آن توسط کارشناسان امور مالیاتی، ضمن رعایت اصل عدالت مالیاتی، از اهمیت زیادی برخوردار گردیده است. مالیات به عنوان اصلی ترین ابزار کسب درآمد برای دولت ها جهت رسیدن به اهداف اقتصادی و اجتماعی مطرح است. گسترش و تنوع فعالیت های اقتصادی و همچنین نقش فزاینده دولت ها در ایجاد و گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی و گسترش تعهدات

دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مساله‌ای مهم و موثر تبدیل نموده است (چاباچیب و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان استفاده قانونی شرکت‌ها از نظام مالیاتی برای منافع شخصی در راستای کاهش میزان مالیات قابل پرداخت با استفاده از خلأهای موجود در قانون، به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف می‌شود (اردیانسا و زلیخا^۲، ۲۰۱۴). اجتناب از مالیات، به فعالیت غیرقانونی که موجب کاهش درآمدهای دولت که برای امور زیربنایی و خدمات رفاهی و عمومی نیاز است، مربوط نمی‌شود. از آنجایی که هزینه مالیات، سود شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، بسیاری از شرکت‌ها به میزان زیادی فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را با هدف کاهش درآمد مشمول مالیات‌شان به کار می‌برند. در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌هاست. تصور نتایج اجتناب از پرداخت مالیات، می‌تواند مهم‌ترین بحث در تحقیق‌های پیرامون این موضوع باشد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

براساس تئوری نمایندگی، به دلیل نبود شفافیت و عدم وجود سازوکارهای نظام راهبری شرکتی به صورت مطلوب، منافع تهیه‌کنندگان اطلاعات با استفاده‌کنندگان در تضاد است (حتی با منافع دولت که یکی از ذی‌نفعان اصلی محسوب می‌شود). شرکت‌ها خود را به اندازه‌ای پاسخگو می‌دانند که از جرائم و تنبیهات قانونی در امان باشند. از طرف دیگر تعاریف موجود از نظام راهبری شرکتی در قالب شبکه‌ای از روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان بیان می‌شود. سطح مسئولیت پاسخگویی شرکت در این دیدگاه گسترش یافته، حوزه وسیع‌تری از سهامداران و دیگر ذی‌نفعان را در بر می‌گیرد. در این رویکرد است که شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان مطرح شده، مسئولیت پاسخگویی به عنوان جوهره وجودی نظام راهبری شرکتی معرفی می‌شود. مدیرانی که دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی شرکت بیشتر از هزینه اضافی مورد انتظار آن‌ها باشد، مدیران به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی می‌باشند (خانی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ بنابراین اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینگ^۳، ۱۹۷۶).

نظام راهبری شرکتی مجموعه ساز و کارهای کنترلی داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شود. نظام راهبری شرکتی که با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی سروکار دارد، موجب ترغیب استفاده کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی مدیران شرکت‌ها در خصوص ایفای وظیفه مباشرت برای اداره منابع می‌شود. توجه به راهبری شرکتی کارا و افزایش کارایی در قراردادهای فیما بین ذی‌نفعان به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از

1. Chabachib et al

2. Ardyansah & Zulaikha

3. Jensen & Meckling

سرمایه آنها از طریق مردم تأمین شده است به تخصیص کارای منابع و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی منجر می شود (اکتاویانی و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

شرکت ها به عنوان واحدهای اقتصادی به دلایل مختلفی که مهم ترین آن جدایی مالکیت از مدیریت است به دنبال سودآوری و دستیابی به ثروت بیشتر هستند (نگوین و نگوین^۲، ۲۰۲۰). پدیده اجتناب مالیاتی زمانی رخ می دهد که این مسأله به علت اقدامات مدیریتی نظیر تعویق در انتشار اخبار بد و تسریع در انتشار اخبار خوب، استمرار پروژه های با ارزش فعلی منفی و عدم شفافیت اطلاعات مالی صورت می پذیرد (عباسزاده و همکاران، ۱۳۹۹). استفاده از سازوکارهای منتخب نظام راهبری شرکتی توسط شرکت های بزرگ، برای مدیریت بدهی مالیاتی خود، در پیش برد و پیش بینی تغییر سیاست های مالیاتی موثر می باشد؛ بنابراین شرکت ها مکلفند، بر مبنای سود کسب شده، به یک نسبت خاص بر طبق مقررات کشور مورد فعالیت، مالیات پرداخت کنند و سازوکارهای منتخب نظام راهبری شرکتی را رعایت کنند. یکی از مشکلاتی که امروزه اکثر کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند، عدم پرداخت به موقع و صحیح مالیات وضع شده می باشد (کزمان و همکاران^۳، ۲۰۱۸). افزایش سازوکارهای منتخب نظام راهبری شرکتی در یک شرکت، نشان دهنده حفظ منافع سرمایه گذاران خارجی است که تمایل به انجام سرمایه گذاری جدید در این شرکت را دارند. در ادبیات حسابداری تعریف روشن و همگانی از سودآوری وجود ندارد، زیرا مرز سودآوری و تقلب های مالی مشخص نیست. سودآوری هنگامی رخ می دهد که از قضاوت های شخصی مدیران در گزارشگری مالی استفاده شده و ساختار معاملات به جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری شود. این عمل یا به قصد گمراه نمودن برخی از سهامداران و سرمایه گذاران در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت است یا با هدف تأثیر بر نتایج قراردادهایی می باشد که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود مشخصی است (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ معطوفی و نجاری، ۱۳۹۷؛ نقش بندی و حسین نژاد مقدم، ۱۳۹۷).

عناصر نظام راهبری شرکتی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد عبارتند از: نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل و نسبت مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت. منظور از اعضای غیر موظف، آن دسته از اعضای هیات مدیره ای هستند که به طور تمام وقت در شرکت حضور ندارند و به عبارتی کارمند شرکت و شاغل در شرکت نیستند و مسئولیت اجرایی رسمی ندارند. در این حالت انتظار می رود که استقلال بیشتری داشته و بر عملکرد شرکت نظارت بیشتری داشته باشند و موجب بهبود عملکرد شرکت شوند (قرنچیک و گرکز، ۱۳۹۷). اعضای غیر موظف هیات مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در نتیجه ترکیب هیات مدیره می تواند بر عملکرد مالی شرکت ها اثر بگذارد. در صورتی که اکثریت اعضای هیات مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، کارایی هیات مدیره بیشتر خواهد بود (نگوین و نگوین، ۲۰۲۰).

دوگانگی وظایف مدیرعامل به حالتی اطلاق می شود که سمت مدیرعامل و رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شرکت، در فرد واحدی جمع باشد. اگر مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره نیز باشد، در این حالت مدیرعامل به طور بالقوه اختیار بیشتری دارد. همچنین، ساختار دوگانه به مدیرعامل اجازه میدهد تا اطلاعات در دسترس دیگر اعضای

هیأت مدیره را به طور مؤثری کنترل کند. نقش رئیس هیأت مدیره، نظارت بر مدیرعامل است. رئیس هیأت مدیره قدرت کنترل دستور جلسات و هدایت جلسات هیأت مدیره را دارد. اگر منافع مدیرعامل با منافع سهام داران متفاوت باشد، در این صورت نفوذ مدیرعامل مشکل ساز میشود. نفوذ مدیرعامل ضرورتاً عملکرد را ضعیف نمیسازد و احتمال دارد که بر درک بازار از میزان کنترل اعمال شده بر عملکرد مدیریت و فرآیند مدیریت سود تأثیر بگذارد (اکتاویانی و همکاران، ۲۰۲۱). در مورد استقلال مدیرعامل بر اساس پژوهش‌های انجام شده، تفکیک وظایف رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل از جمله محرک‌هایی به شمار می‌آید که به دلیل اعطای استقلال بیشتر در تصمیم‌گیری، موجب کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود و اغلب توصیه‌کننده‌های رویه راهبری بر استقلال رئیس هیأت مدیره تأکید دارند (نگوین، ۲۰۲۰). تفکیک وظایف مدیرعامل از وظایف هیأت مدیره، موجب روشن شدن دامنه مسئولیت پاسخگویی و رفع ابهامات در زمینه وظایف این دو نهاد می‌شود. افزون بر این، مدیرعامل مستقل می‌تواند نقش مؤثرتری در راهبری مناسب شرکت‌ها و در نظر گرفتن منافع تمام سهام‌داران و ذینفعان داشته باشد. تفکیک وظایف مدیرعامل از وظایف هیأت مدیره، نظارت بر کار مدیران اجرایی رده بالا است و موجب روشن شدن دامنه مسئولیت پاسخگویی و رفع وظیفه و مسئولیت اعضای هیأت مدیره و ابهامات در زمینه وظایف این دو نهاد می‌شود (سارا^۱، ۲۰۱۷).

سرمایه‌گذاران نهادی به اشخاص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه‌گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر شرکت‌های تجاری از جمله سهام‌داران نهادی محسوب می‌شوند (خدای پور و امینی‌نیا، ۱۳۹۲). در اکثر کشورهای در حال توسعه، با توجه به رشد سریع اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، عملکرد سهام‌داران نهادی، به عنوان نقطه عطف افزایش عملکرد مالی محسوب می‌شود. بهره‌وری بالاتر و افزایش سازوکارهای منتخب نظام راهبری شرکتی برخی شرکتها نشأت گرفته از نفوذ سرمایه‌گذاران نهادی در تصمیمات اتخاذ شده هیأت مدیره شرکت‌ها می‌باشد که خود به عنوان عامل اساسی در جهت کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها محسوب می‌شود (جامز^۲، ۲۰۲۰). همچنین مطالعات هانیفا و کوک^۳ (۲۰۰۲) عقیده دارد که سطح بالاتری از افشای داوطلبانه مطلوب، نشان دهنده میزان نفوذ سرمایه‌گذاران نهادی در افزایش شفافیت و افزایش ساز و کارهای منتخب نظام راهبری شرکتی می‌باشد. با افزایش شفافیت، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش و در نتیجه اجتناب مالیاتی نیز کاهش می‌یابد. نوسانات سود و افزایش سازوکارهای منتخب نظام راهبری شرکتی در شرکت‌ها هنگامی ایجاد می‌شود که سیاست‌های اتخاذی مدیران شرکت در جهت حفظ منافع سهام‌داران نهادی می‌باشد (جیانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

کسب سود و سودآوری از اهداف اصلی شرکت‌ها محسوب می‌شود، سرمایه‌گذاران در بازار سهامی را خریداری می‌کنند که بیشترین سود و بازده به آنها تعلق می‌گیرد. شرکت‌های موفق معمولاً از سودآوری بالاتر برخوردارند. جدایی مالکیت از مدیریت در این شرکت‌ها این امکان را به وجود می‌آورد که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در راستای منافع خود و عکس منافع سهام‌داران و ذی‌نفعان شرکت باشد. صاحبان سهام و ذی‌نفعان که یکی از ذی‌نفعان اصلی

1. Sara

2. Jamse

3. Haniffa & Cooke

4. Jiang et al

شرکت دولت است با این چالش رو به رو هستند که چگونه می‌توانند بر عملکرد مدیران نظارت داشته باشند. تضاد منافع در شرکت‌ها باعث ایجاد بحران نمایندگی می‌شود. برای کنترل نمایندگی مدیران در شرکت‌ها و حصول اطمینان از ایفای وظیفه پاسخگویی و جلوگیری از اجتناب مالیاتی، نظام راهبری شرکتی به عنوان یک عامل انگیزشی مهم در جهت کنترل رفتار مدیران مطرح می‌شود (سجادی، ۱۳۸۸).

ارزش سهام بالاتر و بهره‌وری بهینه در کشورهای در حال توسعه، بر مبنای توسعه پایدار در جهت هدایت بهینه سودهای کسب شده شرکت‌ها و در جهت کاهش اجتناب مالیاتی می‌باشد. لذا، با توجه به نقش نظام راهبری شرکتی در مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران، این پرسش مطرح است که بین نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش متقابل سودآوری چه رابطه‌ای وجود دارد؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

اکتاویانی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن نقش میانجی سودآوری پرداختند. نتایج نشان داد که مالکیت نهادی و استقلال هیئت مدیره تأثیر معناداری بر سودآوری ندارند. سودآوری نیز بر اجتناب مالیاتی تأثیری ندارد. یافته‌های بیشتر نشان داد که مالکیت نهادی و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارند. از نتایج آزمون سوبل، این مطالعه نشان داد که سودآوری نمی‌تواند تأثیر مالکیت نهادی، استقلال هیئت مدیره و کمیته حسابرسی را بر اجتناب مالیاتی میانجی‌گری کند. اوایانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی اثر تبانی در مقابل اثر نظارتی چند سهام‌دار بزرگ بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های با چند سهام‌دار بزرگ نسبت به همتایان بدون چند سهام‌دار بزرگ، کمتر درگیر اجتناب مالیاتی هستند و این موضوع از فرضیه نظارت پشتیبانی می‌کند. دیاناواتی و آگوستینا^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی اثر تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سودآوری، نقدینگی و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی اثر نقدینگی بر اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند. با این حال، حاکمیت شرکتی رابطه بین سودآوری و اهرم مالی با اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند. در همین حال، سودآوری، نقدینگی و اهرم تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارند. تانکو^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی اثر تعدیل‌کننده سودآوری را بر ارتباط میان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و ساختار مالکیت در شرکت‌های مصرف‌کنندگان کالاهای مصرفی در نیجریه مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش یک رابطه منفی بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را نشان داده است. همچنین نتایج نشان داد که اثر تعدیل‌کننده سودآوری ارتباط بین مالکیت خارجی و اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند. حسن و همکاران^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سرمایه‌گذاران نهادی خارجی می‌تواند انحرافات اجتناب مالیاتی شرکت را توضیح دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران نهادی خارجی ارتباط منفی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارد. آرمسترانگ و همکاران^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی روابط بین حاکمیت شرکتی، مشوق‌های مدیریتی و اجتناب مالیاتی را مورد آزمون قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هیچ رابطه‌ای بین مکانیزم‌های مختلف حاکمیت

1. Ouyang et al.
2. Dianawati & Agustina
3. Tanko
4. Hasan et al.
5. Armstrong et al

شرکتی و اجتناب مالیاتی در توزیع میانگین و متوسط شرطی اجتناب مالیاتی وجود ندارد. به هر حال، با استفاده از رگرسیون کوانتیل، نتایج نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین استقلال هیئت مدیره و پیچیدگی‌های مالی در سطوح پایین اجتناب مالیاتی وجود دارد، اما رابطه منفی‌ای با سطوح بالاتر اجتناب مالیاتی دارد. این نتایج مشخص می‌کند که ویژگی‌های حاکمیت شرکتی رابطه قوی با بالاترین سطوح اجتناب مالیاتی دارد.

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین مالکیت نهادی از مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل رشد، بلوغ و افول وجود دارد که این ارتباط بین استقلال هیئت مدیره از مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی یافت نشد. رشیدی و محمدی‌راد (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی و دوره تصدی مدیرعامل پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای ساختار مالکیت دولتی نسبت به شرکت‌های دارای ساختار مالکیت خصوصی، اجتناب مالیاتی کمتری دارند. همچنین دوره تصدی مدیرعامل تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد و اثر همزمان دوره تصدی مدیران در شرکت‌های دارای مالکیت دولتی با پرداخت مالیات بالاتر تأیید نشده است. فخری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر رابطه نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان نظام راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد، همچنین توانایی مدیریت رابطه میان نظام راهبری شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرنجیک و گرکز (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این پژوهش وجود رابطه معنادار بین مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می‌دهد. مشایخی و علی‌پناه (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از وجود رابطه مثبت یا به بیانی دیگر تأیید تئوری ارزش آفرینی در رابطه بین فعالیت‌های اجتناب از مالیات و ارزش شرکت است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تاثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

۲-۲. فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری فوق فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر ارائه شده است:

فرضیه اول: افزایش نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره باعث کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

فرضیه دوم: دوگانگی وظایف مدیرعامل باعث افزایش اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

فرضیه سوم: افزایش نسبت مالکیت سهامداران نهادی باعث کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

فرضیه چهارم: افزایش سودآوری شرکت‌ها باعث تقویت رابطه نسبت اعضا غیر موظف هیات مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

فرضیه پنجم: افزایش سودآوری شرکت‌ها باعث تقویت رابطه دوگانگی وظایف مدیر عامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

فرضیه ششم: افزایش سودآوری شرکت‌ها باعث تقویت رابطه نسبت مالکیت سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از آن جهت که با استفاده از مدل‌ها، روش‌ها و نظریه‌های موجود به دنبال حل مشکل یا بهبود وضعیت تصمیم‌گیری در قلمرو پژوهش است، از نوع پژوهش کاربردی است. در این پژوهش داده‌ها و اطلاعات اولیه با استفاده از روش‌های آزمایش و مشاهده گردآوری می‌شود و با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های آماری و معیارهای پذیرفته شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش محقق می‌خواهد بداند که آیا بین دو چیز یا دو گروه اطلاعات رابطه و همبستگی وجود دارد یا خیر؛ یعنی این که آیا تغییر در یکی با تغییر در دیگری همراه است یا خیر. لذا از نظر ماهیت این پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد.

۳-۱. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۹ می‌باشد. در این پژوهش به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند (حذف سیستماتیک) استفاده شده است. بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان اعضای نمونه انتخاب شده‌اند:

۱- شرکت‌های نمونه انتخابی می‌بایستی از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲- طی سال مالی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداشته باشد.

۳- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند.

۴- فقط شرکت‌هایی بررسی شده‌اند که پایان سال مالی آن‌ها، ۲۹ اسفندماه بوده است.

۵- کلیه اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده در نهایت تعداد ۱۰۳ شرکت از جامعه آماری به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۳-۲. تبیین و اندازه‌گیری متغیرها

متغیرهای این پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل، کنترلی و تعدیل کننده است که در ادامه به توصیف آن‌ها پرداخته می‌شود.

تبیین و اندازه‌گیری متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش اجتناب مالیاتی است که از طریق نرخ موثر مالیات به شرح زیر محاسبه می‌شود:

نرخ موثر مالیات: از تقسیم مالیات شرکت i در سال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت i در سال t بدست می‌آید (پورحیدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ خانی و همکاران، ۱۳۹۲).

تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای مستقل

عناصر نظام راهبری شرکتی که به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره: برابر است با تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیأت مدیره. دوگانگی وظایف مدیرعامل: اگر مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره باشد برابر است با یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر داده می‌شود. نسبت مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت: نسبت مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت از طریق درصد کل سهام تملک شده به وسیله سهام‌داران نهادی به کل سهام سرمایه محاسبه می‌شود. سهام‌داران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، بنیادها و موسسه‌های بازنشستگی می‌باشند (علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۰).

تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش عبارتند از: اندازه شرکت: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت اندازه‌گیری خواهد شد. اهرم مالی: این متغیر از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری خواهد شد. سودآوری شرکت: از تقسیم درآمد قبل از مالیات به کل دارایی اندازه‌گیری خواهد شد. این متغیر در فرضیه‌های اول، دوم و سوم به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

تبیین و اندازه‌گیری متغیر تعدیل‌کننده

سودآوری شرکت: از تقسیم درآمد قبل از مالیات به کل دارایی اندازه‌گیری خواهد شد. این متغیر در فرضیه‌های چهارم، پنجم و ششم به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده است.

۳-۳. طرح آزمون فرضیه‌ها

به پیروی از پژوهش اکتاوینی و همکاران (۲۰۲۱) برای آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش به ترتیب از مدل (۱)، مدل (۲) و مدل (۳) استفاده شده است. در مدل (۱) چنانچه ضریب β_1 در سطح اطمینان مورد نظر منفی و معنادار باشد فرضیه اول پژوهش رد نخواهد شد و در غیر این صورت رد می‌شود.

(۱)

$$TAX\ AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 Indep_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

$TAX\ AVOID_{it}$: اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t

$Indep_{it}$: نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره شرکت i در سال t

LEV_{it} : اهرم مالی شرکت i در سال t

$Size_{it}$: اندازه شرکت i در سال t

ROA_{it} : سودآوری شرکت i در سال t

در مدل (۲) چنانچه ضریب β_1 در سطح اطمینان مورد نظر مثبت و معنادار باشد فرضیه دوم پژوهش رد نخواهد شد و در غیر این صورت رد می‌شود.

(۲)

$$TAX\ AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 Dceo_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

$Dceo_{it}$: دوگانگی وظایف مدیرعامل شرکت i در سال t

در مدل (۳) چنانچه ضریب β_1 در سطح اطمینان مورد نظر منفی و معنادار باشد فرضیه سوم پژوهش رد نخواهد شد و در غیر این صورت رد می شود.

(۳)

$$TAX\ AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 Inown_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

$Inown_{it}$: نسبت مالکیت سرمایه گذاران نهادهای در شرکت i در سال t

به پیروی از پژوهش اکتاویانی و همکاران (۲۰۲۱) برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش از مدل (۴) استفاده شده است. در مدل (۴) چنانچه ضریب β_3 در سطح اطمینان مورد نظر منفی و معنادار باشد فرضیه چهارم پژوهش رد نخواهد شد و در غیر این صورت رد می شود.

(۴)

$$TAX\ AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 Indep_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 Indep_{it} * ROA_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

به پیروی از پژوهش اکتاویانی و همکاران (۲۰۲۱) برای آزمون فرضیه پنجم پژوهش از مدل (۵) استفاده شده است. در مدل (۵) چنانچه ضریب β_3 در سطح اطمینان مورد نظر مثبت و معنادار باشد فرضیه پنجم پژوهش رد نخواهد شد و در غیر این صورت رد می شود.

(۵)

$$TAX\ AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 Dceo_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 Dceo_{it} * ROA_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

به پیروی از پژوهش اکتاویانی و همکاران (۲۰۲۱) برای آزمون فرضیه ششم پژوهش از مدل (۶) استفاده شده است. در مدل (۶) چنانچه ضریب β_3 در سطح اطمینان مورد نظر منفی و معنادار باشد فرضیه ششم پژوهش رد نخواهد شد و در غیر این صورت رد می شود.

(۶)

$$TAX\ AVOID_{it} = \beta_0 + \beta_1 Inown_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 Inown_{it} * ROA_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۴. یافته های پژوهش

قبل از تخمین مدل ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون اف لیمر استفاده شده است. در مدلی که احتمال آماره آزمون آنها بیشتر از ۵ درصد باشد، از روش تلفیقی استفاده می شود و برای مشاهداتی که احتمال آماره آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است، برای تخمین مدل از روش داده های تابلویی استفاده خواهد شد. روش تابلویی خود با استفاده از مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت می تواند انجام گیرد. برای تعیین این که از کدام مدل استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده شده است. مدلی که احتمال آماره آزمون آنها کمتر از ۵ درصد است از روش اثرات ثابت و مدلی که احتمال آماره آزمون آنها بیشتر از ۵ درصد است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده می شود. نتایج آزمون های انجام شده در خصوص هر شش مدل این پژوهش نشان داد سطح معناداری در آزمون اف لیمر و هاسمن به دست آمده کمتر از ۵ درصد می باشد، در نتیجه روش اثرات ثابت- تابلویی پذیرفته شد.

فرضیه‌ها با استفاده از یک مدل رگرسیون آزمون می‌شوند. در مدل‌های رگرسیونی با توجه به مقادیر سطح معنی داری نسبت به رد یا تأیید فرضیه صفر تصمیم گرفته می‌شود. اگر سطح معنی داری کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد، در غیر این صورت فرض صفر پذیرفته می‌شود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌ها در جداول زیر منعکس شده است.

جدول شماره (۱): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه اول

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	C	۰/۰۷۴۳	۰/۰۱۶۴	۴/۵۱۸	۰/۰۰۰
نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	Indep	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۵۵	۰/۹۵۰	۰/۳۴۱
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۹	۰/۰۰۲۵	-۳/۵۶۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۳۷	۰/۰۰۸۱	۱/۶۷۶	۰/۰۹۴
سودآوری	ROA	۰/۷۵۳	۰/۰۱۳۰	۵۷/۸۸۰	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۷۷	آماره اف		۸۵۸/۲۲
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۶	احتمال آماره اف		۰/۰۰
دوربین-واتسون		۱/۵۲			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با مد نظر قرار دادن مقدار ارزش احتمال حاصل شده برای آماره اف که برابر ۰/۰۰۰ است، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل می‌باشد، تأیید نمی‌شود و این نشان می‌دهد که کلیه ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی‌باشند. میزان دوربین واتسون به دست آمده (۱/۵۲) بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته پس استقلال خطا پذیرفته شده است. مقدار ضریب متغیر نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه اول است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۳۴۱ می‌باشد و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود.

جدول شماره (۲): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	C	۰/۰۷۸	۰/۰۱۵۹	۴/۸۸۲	۰/۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	Dceo	-۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۴	-۰/۱۶۲	۰/۸۷۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۹۰	۰/۰۰۲	-۳/۵۵۵	۰/۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۲۸	۰/۰۰۸	۱/۵۸۰	۰/۱۱۴
سودآوری	ROA	۰/۷۵۴	۰/۰۱۲۹	۵۸/۱۶۲	۰/۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۷۷	آماره اف		۸۵۹/۱۳
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۶	احتمال آماره اف		۰/۰۰
دوربین-واتسون		۱/۵۲			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با مد نظر قرار دادن مقدار ارزش احتمال حاصل شده برای آماره اف که برابر ۰/۰۰۰ است، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل می‌باشد، تأیید نمی‌شود و این نشان می‌دهد که کلیه ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی‌باشند. میزان دوربین واتسون به دست آمده (۱/۵۲) بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته پس استقلال خطا پذیرفته شده است. مقدار ضریب

متغیر دوگانگی وظایف مدیرعامل مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه دوم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر $0/870$ می باشد و بیشتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای 5 درصد رد می شود.

جدول شماره (۳): نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه سوم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	C	$0/067$	$0/0157$	$4/303$	$0/000$
مالکیت سرمایه گذاران نهادی	Inown	$-0/0334$	$0/007$	$4/550$	$0/000$
اندازه شرکت	SIZE	$-0/009$	$0/002$	$-3/880$	$0/000$
اهرم مالی	LEV	$0/0011$	$0/008$	$0/135$	$0/892$
سودآوری	ROA	$0/746$	$0/013$	$57/3$	$0/000$
ضریب تعیین	آماره اف				$882/11$
ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره اف				$0/00$
دوربین - واتسون	$1/54$				

منبع: یافته های پژوهشگر

با مد نظر قرار دادن مقدار ارزش احتمال حاصل شده برای آماره اف که برابر $0/000$ است، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل می باشد، تایید نمی شود و این نشان می دهد که کلیه ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی باشند. میزان دوربین واتسون به دست آمده ($1/54$) بین $1/5$ تا $2/5$ قرار گرفته پس استقلال خطا پذیرفته شده است. مقدار ضریب متغیر مالکیت سرمایه گذاران نهادی مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه سوم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر $0/000$ می باشد و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه سوم پژوهش در سطح خطای 5 درصد پذیرفته می شود.

جدول شماره (۴): نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه چهارم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	C	$0/077$	$0/0166$	$4/632$	$0/000$
نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	Indep	$0/0082$	$0/007$	$0/0011$	$0/999$
اندازه شرکت	SIZE	$-0/009$	$0/0025$	$-3/561$	$0/000$
اهرم مالی	LEV	$0/013$	$0/008$	$1/686$	$0/0920$
سودآوری	ROA	$0/717$	$0/0338$	$21/205$	$0/000$
سودآوری* نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره	ROA* Indep	$0/0634$	$0/0545$	$1/163$	$0/244$
ضریب تعیین	آماره اف				$686/97$
ضریب تعیین تعدیل شده	احتمال آماره اف				$0/00$
دوربین - واتسون	$1/53$				

منبع: یافته های پژوهشگر

با مد نظر قرار دادن مقدار ارزش احتمال حاصل شده برای آماره اف که برابر $0/000$ است، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل می باشد، تایید نمی شود و این نشان می دهد که کلیه ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی باشند. میزان دوربین واتسون به دست آمده ($1/53$) بین $1/5$ تا $2/5$ قرار گرفته پس استقلال خطا پذیرفته شده است. مقدار ضریب

متغیر سودآوری* نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه چهارم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۲۴۴ می‌باشد و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه چهارم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود.

جدول شماره (۵): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه پنجم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	C	۰/۰۸۳۴	۰/۰۱۵۹	۵/۲۳۳	۰/۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	Dceo	-۰/۰۲۰۵	۰/۰۰۵۱	-۴/۰۲۴۳	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۸۷	۰/۰۰۲۵	-۳/۴۸۵	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۶	۰/۰۰۸۱	۰/۸۰۷	۰/۴۱۹
سودآوری	ROA	۰/۷۲۰	۰/۰۱۴۵	۴۹/۵۳۹	۰/۰۰
سودآوری* دوگانگی وظایف مدیرعامل	ROA* Indep	۰/۱۸۰	۰/۰۳۰۲	۵/۹۸۰	۰/۰۰
ضریب تعیین		۰/۷۸	آماره اف		۷۴۴/۶۷
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۸	احتمال آماره اف		۰/۰۰
دوربین - واتسون				۱/۵۱	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با مد نظر قرار دادن مقدار ارزش احتمال حاصل شده برای آماره اف که برابر ۰/۰۰۰ است، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل می‌باشد، تأیید نمی‌شود و این نشان می‌دهد که کلیه ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی‌باشند. میزان دوربین واتسون به دست آمده (۱/۵۱) بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته پس استقلال خطا پذیرفته شده است. مقدار ضریب متغیر سودآوری* دوگانگی وظایف مدیرعامل مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه پنجم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که فرضیه پنجم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

جدول شماره (۶): نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه ششم

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	p-value
ضریب ثابت	C	۰/۰۵۹	۰/۰۱۶۱	۳/۷۱۳	۰/۰۰
مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	Inown	۰/۰۴۷۶	۰/۰۰۹۶	۴/۹۲۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۰۲	۰/۰۰۲۵	-۴/۰۶۹	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۳۷	۰/۰۰۸۵	۰/۴۳۱	۰/۶۶۶
سودآوری	ROA	۰/۸۴۳	۰/۰۴۶۶	۱۸/۰۷۲	۰/۰۰
سودآوری* مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی	ROA* Inown	-۰/۱۳۸	۰/۰۶۴۷	-۲/۱۴۴	۰/۰۳۲
ضریب تعیین		۰/۷۷	آماره اف		۷۱۵/۰۷
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۷	احتمال آماره اف		۰/۰۰
دوربین - واتسون				۱/۵۵	

منبع: یافته های پژوهشگر

با مد نظر قرار دادن مقدار ارزش احتمال حاصل شده برای آماره اف که برابر $0/000$ است، فرض صفر که عدم معناداری کل مدل می باشد، تایید نمی شود و این نشان می دهد که کلیه ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نمی باشند. میزان دوربین واتسون به دست آمده $(1/51)$ بین $1/5$ تا $2/5$ قرار گرفته پس استقلال خطا پذیرفته شده است. مقدار ضریب متغیر سودآوری * مالکیت سرمایه گذاران نهادی مبین شاخصی برای ارزیابی فرضیه ششم است، در صورتی که ضریب مذکور معنادار باشد نشان دهنده تأیید این فرضیه است. مقدار احتمال آماره تی برای این متغیر برابر $0/032$ می باشد و کمتر از سطح خطای $0/05$ است، بنابراین می توان گفت که فرضیه ششم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود.

۵. بحث و نتیجه گیری

نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که افزایش نسبت اعضاء غیرموظف هیات مدیره باعث کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمی شود؛ به عبارت دیگر افزایش مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره چند شرکت، ممکن است باعث کاهش اثربخشی آنان شود و بر خلاف انتظار زمینه های کاهش ریسک و کاهش اجتناب مالیاتی و افزایش منافع ذینفعان را فراهم نمی آورد. عدم تخصص و دانش کافی مدیران غیر موظف و عدم اعتقاد به شایسته سالاری باعث گردیده که نقش مدیران غیرموظف در اداره امور شرکت فقط در حد یک نام باقی مانده باشد. نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش های آرمسترانگ و همکاران (2015) ، عباس زاده و همکاران (1399) و رشیدی و محمدی راد (1399) همخوانی دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که دوگانگی وظایف مدیرعامل باعث افزایش اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمی شود. سهامداران در سال های اخیر با دادن استقلال بیشتر به هیئت مدیره، به دنبال تقویت نقش آن به عنوان نماینده سهامداران شرکت بوده اند. این امر در عمل موجب نزدیکی هیئت مدیره به مدیریت و شراکت با آن شده است. در بیشتر کشورها نوع تفکر، عقاید و رفتار مدیران نشان داد که به صورت جمعی روی حاکمیت هیئت مدیره و ارتباط آن با مدیریت اتفاق نظر دارند. مدیران و اعضای هیئت مدیره اکثراً بر این باورند که اعضای هیئت مدیره باید بیشتر در امور مربوط به شرکت به عنوان شرکای مدیریت فعالیت نمایند. در واقع آنان باید قدرتمندتر، با اعتماد به نفس بیشتر و با نقش چشمگیرتر در برنامه ریزی های استراتژیک برای مدیریت عامل دیده شوند. نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش های آرمسترانگ و همکاران (2015) ، عباس زاده و همکاران (1399) و رشیدی و محمدی راد (1399) همخوانی دارد. نتایج آزمون فرضیه سوم نشان داد که مالکیت سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی وجود دارد. بدین دلیل که سرمایه گذاران نهادی با نظارت کارآمد خود محرک هایی برای بهبود عملکرد دارند و توان تنبیه مدیرانی که در جهت منافعشان حرکت نمی کنند را نیز دارا می باشند، همچنین مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی نیز تاثیر دارد. پس با افزایش این شاخص از اجتناب مالیاتی کاسته خواهد شد. نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش های اوایانگ و همکاران (2020) ، حسن و همکاران (2016) ، عباس زاده و همکاران (1399) ، فخری و همکاران (1398) و قرنجیک و گرکز (1397) همخوانی دارد. نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان داد که افزایش سودآوری شرکت ها باعث تقویت رابطه منفی نسبت اعضاء غیر موظف هیات مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمی شود. نتایج به دست آمده در این پژوهش با

نتایج پژوهش دیناواتی و آگوستینا (۲۰۲۰) همخوانی دارد. نتایج آزمون فرضیه پنجم نشان داد که افزایش سودآوری شرکت‌ها باعث تقویت رابطه دوگانگی وظایف مدیر عامل و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. سودآوری، سازوکاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی محسوب می‌شود و از خط مشی پرداخت سود برای تقلیل تعارضات نمایندگی استفاده می‌شود، همچنین توصیه شده است که بین اعضای هیات مدیره باید توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچ کس قادر به کنترل بی قید و شرط تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. افزون بر این، تقسیم مسئولیت‌ها در سطح عالی شرکت، باید به روشنی مشخص شده باشد تا از توازن قوا و حدود اختیارات اعضای هیات مدیره، اطمینان کافی حاصل شود. مدیر عامل که یکی از ارکان مهم هیات مدیره است، نقش مهمی در برابر ذینفعان بر عهده دارد و دولت‌ها به واسطه وصول مالیات یکی از ذینفعان اصلی شرکت هستند. نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش‌های اوایانگ و همکاران (۲۰۲۰)، دیناواتی و آگوستینا (۲۰۲۰)، عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) و رشیدی و محمدی راد (۱۳۹۹) همخوانی دارد. نتایج آزمون فرضیه ششم نشان داد که افزایش سودآوری شرکت‌ها باعث تقویت رابطه منفی نسبت مالکیت سهامداران نهادی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. سرمایه‌گذاران نهادی هم انگیزه و هم قدرت تاثیرگذاری بر سیاست شرکت را به صورت کار کردن در جهت بهترین منافع سهام داران دارند. از آنجائی که مالکان نهادی بخش بزرگی از سهام را در اختیار دارند، لذا برخلاف سهامداران اقلیت، انگیزه زیادی برای کنترل و تاثیر بر مدیریت به طور فعال به منظور بدست آوردن سود بلندمدت از سرمایه‌گذاری خود دارند. در کنار انگیزه مالی، آنها قدرت زیادی برای تاثیرگذاری بر مدیریت شرکت دارند. نتایج به دست آمده در این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیناواتی و آگوستینا (۲۰۲۰)، عباس زاده و همکاران (۱۳۹۹) و رشیدی و محمدی راد (۱۳۹۹) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

۱. با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران (بالفعل و بالقوه) و سایر ذی‌نفعان پیشنهاد می‌گردد که در اخذ تصمیمات اقتصادی به ابعاد دوگانگی وظایف مدیرعامل و اعضاء غیرموظف هیات مدیره توجه کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که برای ایجاد انگیزه و مشوق‌های لازم در شرکت، سازمان بورس اوراق بهادار تهران با همکاری نهادهای فعال در حوزه اجتماعی و فرهنگی کشور، با تدوین الزامات و مقررات مناسب، زمینه را برای پاسخگویی بهتر شرکت‌ها به انتظارات جامعه فراهم کنند.
۲. با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به منظور اخذ تصمیمات صحیح و اصولی در سهام شرکت‌ها به تاثیر سودآوری بر رابطه دوگانگی وظایف مدیر عامل و اجتناب مالیاتی توجه داشته باشند. چرا که بر اساس نظریه نمایندگی، هنگامی که سودآوری بالا است، مدیران سعی می‌کنند با کاهش بار مالیات شرکت‌ها، منافع شخصی را به حداکثر برسانند. این می‌تواند ناشی از تضادهای نمایندگی به دلیل رفتار فرصت طلبانه مدیران برای به حداکثر رساندن سود خود در مقایسه با منافع صاحبان سهام باشد؛ بنابراین، سودآوری بالا می‌تواند مدیران را ترغیب کند تا برای حفظ سود شرکت‌ها و کسب منافع شخصی اجتناب مالیاتی را انجام دهند.
۳. با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به منظور اخذ تصمیمات صحیح و اصولی در سهام شرکت‌ها به حاکمیت شرکتی توجه داشته باشند؛ زیرا حاکمیت شرکتی موثر می‌تواند مدیران را به اتخاذ سیاست

های نقدینگی ترغیب کند که فقط به برنامه‌ریزی مالیاتی نظیر اجتناب مالیاتی نپردازند. علاوه بر این حاکمیت شرکتی برای شرکت‌هایی که از سطح بالایی سودآوری برخوردار هستند نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ زیرا شرکت‌های سودآور تمایل دارند که درآمد خود را از فشارهای مالیاتی بالا حفظ کنند، در نتیجه شرکت‌ها نسبت به مالیات تهاجمی می‌شوند؛ بنابراین شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی خوبی را انجام می‌دهند می‌توانند اقدامات مربوط به اجتناب مالیاتی را که توسط مدیران انجام می‌شود، تشخیص دهند.

۶. منابع و مآخذ

۱. پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن و امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهنامه اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۵۲، ۸۵-۶۹.
۲. خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم و ملایی، مهنام. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، ۲۵-۱.
۳. خدای پور، احمد و ترک زاده ماهانی، علی. (۱۳۹۰). مالیات و محافظه کاری در گزارشگری مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۳، ۱۴۵-۱۲۷.
۴. خدای پور، احمد و امینی نیا، میثم. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۹، ۱۵۵-۱۳۵.
۵. رشیدی، محسن و محمدی راد، مهرشاد. (۱۳۹۹). بررسی انگیزه‌های اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای سهامدار دولتی بر مبنای دوره تصدی مدیرعامل، دانش مدیریت، دوره ۱۵، شماره ۴۰، ۴۴-۲۱.
۶. سجادی، علی. (۱۳۸۸). نظریه نمایندگی در نظام راهبری شرکتی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، ۲۷۶-۲۵۷.
۷. عباس زاده، محمدرضا؛ مفتونیان، محسن؛ فدایی، مرتضی و بابائی کلاریجانی، مائده. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۴، ۸۱-۴۹.
۸. علوی طبری، حسین؛ رجبی، روح‌اله و شهبازی، منصوره. (۱۳۹۰). رابطه نظام راهبردی و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها، دانش حسابداری، دوره ۲، شماره ۵، ۱۰۱-۷۵.
۹. فاطمی، سید شعیب؛ فلاح، رضا و ملکی مطلق، علی. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی. مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۳، ۱۰۴-۹۲.
۱۰. فخری، مجید؛ پازکی، علی و خوشکار، فرزین. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۲۳، ۴۱-۲۲.
۱۱. قرن‌جیک، آرزو و گرکز، منصور. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۲۰، ۱۷۵-۱۹۳.
۱۲. مشایخی، علی و علی پناه، مصطفی. (۱۳۹۴). بررسی پژوهشی با عنوان تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ۵۴-۳۹.

۱۳. معطوفی علیرضا و نجاری، محمود. (۱۳۹۷). بررسی رابطه دوره تصدی مدیرعامل و برنامه هریزی مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۶، شماره ۴۰، ۱۵۵-۱۳۵.
۱۴. نقش بندی، نادر و حسین نژاد مقدم، مهدی. (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت حسابرسی و رابطه بین مالکیت خانواده و اجتناب مالیاتی. پژوهش های جدید در حسابداری و مدیریت، شماره ۴۳، ۱۰۴-۸۳.
۱۵. وحیدی الیزایی، ابراهیم و فخاری، ماندانا. (۱۳۹۳). تأثیر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکتی بر عملکرد مالی شرکت، تحقیقات حسابداری، شماره ۲۷، ۹۹-۸۲.
16. Ardyansah, D., & Zulaikha, Z. (2014). The Influence of Size, Leverage, Profitability, Capital Intensity Ratio and Independent Commissioners on the Effective Tax Rate (ETR). *Diponegoro Journal of Accounting*, 3(2), 371-379.
17. Armstrong Christopher S, Jennifer L. Blouin, Alan D. Jagolinzer. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics* 60 (1): 1-17.
18. Chabachib, M., Fitriana, T. U., Hersugondo, H., Pamungkas, I. D., & Udin, U. (2020). Firm value improvement strategy, corporate social responsibility, and institutional ownership. *International Journal of Economics and Management Systems*, 10(4), 152-163.
19. Dianawati, R. Agustina, L. (2020). The Effect of Profitability, Liquidity, and Leverage on Tax Agresiveness with Corporate Governance as Moderating Variable, *Accounting Analysis Journal*, 9(3): 166-172.
20. Haniffa, R. M, & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. *Abacus*, 38 (3), 317-349.
21. Hasana I. Kimc I. Tengd H. and Wu Q. (2016). The Effect of Foreign Institutional Ownership on Corporate Tax Avoidance: International Evidence, *Bank of Finland Research* 26: 1-46.
22. James, L. (2020). CEO Age and Tax Planning, *Rev Finance Econ*. 38: 275- 299.
23. Jensen, M. Meckling, W. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
24. Jiang, G., Lee, C.M.C., Yue, H. (2020) Tunneling through Intercompany Loans: The China Experience. *J. Financ. Econ*. 98(1), 1-20.
25. Kuzman, T., Talavera, O., Bellos, S. (2018). Politically Induced Board Turnover, Ownership Arrangements and Performance of SOEs. *Corporate Governance: An International Review*, 26(3), 160-179.
26. Nguyen, T. N. L., & Nguyen, V. C. (2020). The Determinants of Profitability in Listed Enterprises: A Study from Vietnamese Stock Exchange. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 7(1), 47-58.
27. Oktaviani, R. M. Widjaja, B. & Sunarto, S. (2021). The Effect Of Corporate Gavernance On Tax Avoidance: The Role Of Profitability as a Meditating Variable An Empirical Study In Indonesia. *jornal of asia Finance Economic and Buisince*, 3(2021), 217-227.
28. Ouyang C., Xiong J. & Huang K., (2020). Do multiple large shareholders affect tax avoidance? Evidence from China, *International Review of Economics and Finance* 76 (2): 207-224
29. Sarra, H. D. (2017). The Effect of Accounting Conservatism, the Audit Committee and the Independent Board of Commissioners on Tax Avoidance (Empirical Study of the Chemical and Metal Industry on the Indonesia Stock Exchange 2010-2014).

30. Tanko, U. M. (2020). The Moderating Effect of Profitability on the Relationship between Ownership Structure and Corporate Tax Avoidance in Nigeria Listed Consumers Goods Firms, *International Journal of Business and Technopreneurship*, 10(2): 153-172.
31. Wahba, H. Elsayed, K. (2015). The Mediating Effect of Financial Performance on the Relationship between Social Responsibility and Ownership Structure. *Future Business Journal*, 1(1), 1-12.

Investigating the Moderating Effect of Profitability on the Relationship between Corporate Governance and Tax Avoidance in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Asiyeh Gholamali ^{*1}

Masoud Fuladi ²

Date of Receipt: 2022/06/11 Date of Issue: 2022/08/24

Abstract

Tax avoidance is an activity in which the management uses its powers to reduce and manipulate profits in order to reduce the taxes to be paid, and adopting this type of policy is not necessarily for the benefit of all interested groups. The discussion of tax avoidance seems to be more relevant in the case of companies with separation of ownership, because real people are less involved in tax avoidance due to the possibility of being discovered and fined and risk aversion or internal motivations such as social duty. to be Therefore, the purpose of this research is to investigate the moderating effect of profitability on the relationship between corporate governance and tax avoidance. In line with the purpose of the research, using the systematic elimination method, a sample consisting of 103 companies was selected from among the companies admitted to the Tehran Stock Exchange between 2009 and 2020. To analyze the data and test the hypotheses, multivariate regression models were used using the combined data method. The results of the research showed that among the elements of the corporate governance system, only the ratio of ownership of institutional shareholders has a negative and significant relationship with tax avoidance, and the ratio of non-commissioned members of the board of directors and the dual duties of the CEO do not have a significant relationship with tax avoidance. Also, the results showed that the increase in the profitability of the companies has strengthened the relationship between the duties of the CEO and tax avoidance, but it has no effect on the relationship between non-obligatory members of the board of directors and tax avoidance, and the relationship between the ownership ratio of institutional shareholders and tax avoidance.

Keywords

Profitability, Corporate Governance, Tax Avoidance.

1. Master's Student, Department of Accounting, ShahinShahr Branch, Islamic Azad University, ShahinShahr, Iran. (asiegholamali64@gmail.com).
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahinshahr Branch, Islamic Azad University, Shahinshahr, Iran. (Foladim57@shaiau.ac.ir)